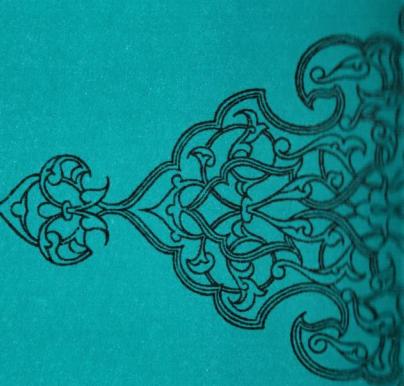




داستان‌های عاشقانه‌ی ادبیات فارسی

تألیف محمد قاسمزاده



فهرست

۷	بیش گفتار
۱۱	زال و رودابه
۳۱	بیژن و منیزه
۴۰	وامق و عذرای
۵۰	ورقه و گل شاه
۸۰	ویس و رامین
۱۳۷	خسرو و شیرین
۱۶۰	لیلی و مجئون
۱۸۰	شیخ صنعتان
۱۹۰	همای و همایون
۲۲۹	گل و نوروز
۲۵۱	جمشید و خورشید
۲۸۳	مهر و مشتری
۳۳۱	بهرام و گل اندام
۳۵۹	سلامان و ابسال
۳۶۹	یوسف و زلیخا
۳۹۳	ناظر و منظور
۴۰۷	تل و دمن
۴۲۰	نوش آفرین گوهر تاج
۴۶۹	زهره و منوچهر

و مطلع بر صحیح و اعیانی کار نمایند که با هدف اینکه در پیش از خواندن در اینجا تعریف کردند. اما بر سرگذشت آنچه دارد، دو مقصده له را می‌توان انتسباً به این دو گیرید: ۱) مطلب دل کاره در عینه ندانه پنهانه هر چهار روز گذشته، که اخیراً تجربه شده و مطلع از اینهاست. ۲) مطلب دل کاره در عینه خود، که بجز اینها مطلع نیست. تجربه که زیر اینها می‌باشد، معمولاً در اینجا تعریف نمی‌شود. لست که در اینجا مطلع شدند از اینکه تجربه مخصوصه این حلقه از اینهاست که علی‌رغم اینکه در حقیقت این تجربه مخصوصه نیست، این مخصوصه نیز حلقه از اینهاست که علی‌رغم اینکه در حقیقت این تجربه مخصوصه نیست، این مخصوصه نیز حلقه از اینهاست. پیش‌گفتار

در اینجا مطلع شدند از اینکه تجربه مخصوصه این حلقه از اینهاست که علی‌رغم اینکه در حقیقت این تجربه مخصوصه نیست، این مخصوصه نیز حلقه از اینهاست. این ادبیات فارسی گنجینه‌ی شگفت تجربه‌ی مردمی است که در فلات بزرگی زندگی کرده و می‌کنند و امروز در چند کشور، حتا با زبان‌های غیر فارسی، به سر می‌برند. این ادبیات بازتاب زندگی مردمی است در طی چندین هزاره و هر حادثه‌ی زندگی آن‌ها را در خود نشان داده است. حادثه‌هایی که کم نبودند و نیستند. عشق هم یکی از تجربه‌های بشر و شاید والا ترین آن است که ایرانیان نیز در خلق صحنه‌های شگفت آن، همواره مؤثر و دخیل بوده‌اند و سهم به‌سزایی در آن داشته‌اند.

فارسی زبانان در جغرافیایی زندگی می‌کنند که می‌توان آن را معتبر فرهنگ‌ها دانست. عبور فرهنگ‌ها از این جغرافیا و گذر فرهنگ ایرانی در پی تحولات سیاسی و اجتماعی، به گونه‌ای بوده که تداخل شگفت فرهنگ‌های گوناگون را به وجود آورده و آمیزش آن‌ها باعث شکوفایی همه‌ی فرهنگ‌های دخیل شده است. مرزهای ایران که همواره گسترد و کوچک شده، مردم ما را طی زمان‌های متفاوت همسایه‌ی فرهنگ‌های گوناگون کرده و ایرانی‌ها در دل آن‌ها نفوذ کرده و آن‌ها نیز با ما آمیخته‌اند و بازتاب آن را در ادبیات فارسی می‌بینیم.

ادبیات عاشقانه سهم به‌سزایی در ادبیاتی دارد که حاصل آمیزش ملت‌های گوناگون است. این گونه‌ی ادبی برخلاف تجربه‌ی مشابه‌اش در برخی نقاط دنیا، از سوی نویسنده‌گان و شاعران دیگر گونه‌های ادبی، نه تنها انکار نشد که با شوق فراوان رویه‌رو شد. عارفان ادبیات عاشقانه را تأویل دیگری کردند و از آن دست‌مایه‌ای ساختند برای